

بصیرت، چراغ راه دانشجو از دیر باز تا کنون

میشم زعفرانی



بصیرت در لغت به معنای دلالی، بینایی، بینایی دل، روشن بینی، هوشیاری و زیرکی و در اصطلاح داشتن آگاهی همه جانبه و ژرف عمیق به امور؛ فریب ظواهر امر را نخوردن و مشاهده سرانجام کار پیش از اقدام به آن است. در تعریفی دیگر، بصیرت یعنی قوه قلبی یا نیرویی باطنی که به نور قدس روشن گر دیده‌واز پر تو آن، صاحب بصیرت، حقایق و یواطن اشیاء را در می یابد. بصیرت به معنای بَصَر (چشم) است برای نفس، پیشوایان دینی راه‌های کسب بصیرت را توبه، ذکر خدا (من ذکر ا... استبصر)، هم نشینی با علما (جاور العلماء تستبصر)، خردورزی (من فکر ابصر العواقب) و زهد و ارتباط با خدای دانند.

با توجه به این تعاریف، بصیرت سیاسی یعنی این که کسی از راه کسب علم و تزکیه نفس بتواند در جاده‌های پر پیچ و خم سیاست، سره را از ناسره تشخیص داده و به موقع عمل کند. یعنی کسی که کنه یک عمل سیاسی را قبل از وقوع می بیند و برای همراهی یا مقابله با آن آماده است.

آن‌هایی که در بررسی و تحقیق در باب جنبش دانشجویی و به طور کلی سیر حرکت سیاسی دانشجویان در ایران، دستی پر آش دارند، این حرکت را به ۴ دوره (موج) تقسیم می کنند:

الف) موج چپ گرایی یا دوره حاکمیت اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی که از سال ۱۳۳۲ آغاز می شود و تا قبل از انقلاب یعنی سال‌هایی ۱۳۵۵ و

۱۳۵۶ ادامه دارد. (ب) موج اسلام گرایی که از ابتدای انقلاب و با شکل گیری نظام جمهوری اسلامی آغاز و تا سال ۱۳۷۵ و پایان دوره دولت سازندگی ادامه دارد.

ج) موج لیبرالستی که با شروع به کار دولت اصلاحات و غلبه تفکرات لیبرالستی بر اندیشه‌های انقلابی -اسلامی در فضای عمومی و دانشگاهی کشور آغاز و تا سال ۱۳۸۳ ادامه یافت.

د) موج عدالت خواهی که از سال ۱۳۸۴ و احیای گفتمان انقلاب اسلامی آغاز شد و گفتمان خود را زیر مفاهیم عدالت خواهی، ظلم ستیزی و مبارزه با فساد تبیین کرد. این نوشتار به هیچ وجه قصد بررسی دقیق و موردی این دوره‌ها را ندارد ولی این مطلب را به واسطه اهمیت آن در تبیین جایگاه مفهوم بصیرت در تحلیل‌ها و حرکت‌های دانشجویی در ایران مطرح کرده است. به این معنا که بررسی دوره‌های مختلف حرکت‌های دانشجویی در ایران نشان می دهد که هر جا این مجموعه‌ها از بصیرت اسلامی بر خور دار بوده‌اند، حرکتی در خور و شایسته‌تر اشروع کرده و جایی که شاهد افول آنها بوده ایم، جای خالی بصیرت اسلامی در این حرکت بخوبی احساس می شود.

در موج اول، وجود بصیرت در تفکرات دانشجوی مسلمان، در شرایطی که شاهد حاکمیت تفکرات چپ در فضای روشن فکری و دانشگاهی هستیم، حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ را رقم می زند. حادثه‌ای که باید به آن و عوامل دهنده و نتایج آن، به طور دقیق پرداخته شود. ۱۶ آذر مجموعه‌ای از عوامل مختلف را شامل می شود که متأسفانه جریان غالب آن روز و جریان متعصب ملی گرایی و لیبرالستی داخل آن را در حد یک حرکت صرف میهن محدود کرده‌اند و این در حالی است که همه شاهدان عینی این ماجرا و محققین منصف تاریخ تحولات معاصر ایران اسلامی، عامل اصلی شکل گیری این رویداد تاریخی را وجود روحیه استکبار ستیزی در بین دانشجویان مسلمان می دانند.

این روحیه در موج دوم و با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ملت ایران، خود را در واقعه ۱۳ آبان و تسخیر لانه جاسوسی، دوباره تعریف کرد. این بار نیز دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با بصیرت کامل، تحلیل درستی از شرایط جهانی، منطقه ای و داخلی ایران ارائه کرده بودند. حمایت ایالات متحده از شاه مخلوع به بهانه معالجه بیماری، تحرکات این کشور به منظور ترغیب کشورهای حاشیه خلیج فارس برای تضعیف روحیه ملی و اسلامی مردم و نظام جمهوری اسلامی و همکاری های پشت پرده دولت موقت که خود را در دیدار نخست وزیر وقت با یرژینسکی در الجزایر آشکار کرده بود، این دانشجویان را بر آن داشت تاریخ حضور دولت آمریکا در ایران را برای همیشه بخشکانند و بر این مبنا انقلاب دوم رخ داد. بصیرت دانشجویی این جوانان، آن جاذهور علنی پیدا کرد که با وجود تمامی فشارهایی که از سوی

گروه‌های مختلف داخلی و خارجی در فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای، حاکم شده بود، توانست با خون سردی کامل و تکیه بر اوامر حضرت امام که بشدت از این حرکت دانشجویی حمایت می کرد، مدیریت در صحنه این حادثه بزرگ را در دست گرفته و به نتیجه برساند.

در همین دوره، حضور دانشجویان بصیر اسلامی در صحنه‌های مختلف دفاع مقدس، بار دیگر امام و امت را به آینده‌ای روشن امیدوار می کرد.

امیدی که با پایان جنگ و اتفاقات متعدد پس از آن، متزلزل شد.

با روی کار آمدن دولت سازندگی و اتخاذ برخی از سیاست‌های اشتباه اقتصادی و سیاسی در حوزه‌های داخلی و خارجی و حاکمیت تفکر غربی بر فضای مدیریتی کشور که تحت تأثیر سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و نیز بازگشت دانشجویان اعزامی به خارج از کشور قرار داشت، گفتمان حاکم بر بدنه دولت دست خوش تغییر شد. مفاهیم مستضعف، شیطان بزرگ و استکبار جهانی و تعهد اسلامی جای خود را به قشر آسیب پذیر، دول قدرتمند و تکنو کراتیسم داد و سیاست‌های تنش زدایی و هم زیستی مسالمت آمیز، جایگزین صدور انقلاب و مبارزه با استکبار جهانی شد.

نگاه اجمالی به موج سوم جنبش دانشجویی در ایران، اهمیت و نقش بصیرت را روشن تر می سازد. با پیروزی اصلاح طلبان در ۲ خرداد ۱۳۷۶ و ادامه سیاست‌های لیبرالستی دولت سازندگی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، عملاً جنبش‌های دانشجویی تبدیل به یک پیاده نظام برای احزاب سیاسی شدند. ادبیات حاکم بر فضای رسانه‌ای دولت، کاملاً تغییر کرد و اصلاح طلبان در مطبوعات و مجریه‌ای به ترویج مبانی نظری لیبرال یسم مشغول شدند. ترجمه نعل به نعل اندیشه‌های افرادی مانند گادامر، پوپر، آنتورس، گرامشی، هابرماس و ... که از گلوئی امثال آغاجری، سرشوش و جباریان فریاد می شد، جنبش‌های دانشجویی و به

طور کلی منابع درسی و تحقیقی دانشگاه‌ها را تحت تأثیر قرار داد. در این میان، سیاست‌های فرهنگی دولت نیز بی تأثیر نبود. رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های خود مرتباً خطر تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی را گوشزد و دانشجویان را به هوشیاری دعوت می کردند. اما متأسفانه حرکت‌های افراطی مجموعه‌هایی مانند دفتر تحکیم وحدت و انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه‌ها که توسط فضای رسانه‌ای -مطبوعاتی احزاب اصلاح طلب و حمایت‌های مالی و ورسانه‌ای ایالات متحده در بیرون

پشتیبانی می شد، نتیجه داد و در نخستین حرکت، واقعه کوی دانشگاه و

حاشیه‌های اطراف آن، کشور را با مشکل مواجه کرد.

به گزاری همایش ها و نشست‌های مختلف سیاسی و فرهنگی با موضوعاتی مانند پلورالیسم دینی، جامعه مدنی، عقلانیت انتقادی، جامعه‌باز،

آزادی‌های مدنی و مفاهیمی نظیر اینها، راه را برای انحراف هر چه بیشتر جنبش دانشجویی فراهم می کرد. به عنوان مثال، در این میان دفتر تحکیم وحدت که زمانی به فرموده حضرت امام(ره) تشکیل شده بود، دچار آفت بی بصیرتی و تکیه بر هواهای نفسانی شده، دست به تقابل با آموزه‌های اسلامی می زد. تا جایی که اعضای این دفتر پس از انحلال، به صورت اپوزوسیون داخلی، دست به اقداماتی علیه موجودیت نظام زدند. (این افراد با مجموعه‌ای که هم اکنون با نام دفتر تحکیم وحدت در حال فعالیت است، تفاوت عمده دارند). این دفتر که زمانی خود طلا به دار تسخیر لانه جاسوسی بود، تحت تأثیر فضای حاکم بر جامعه، اکنون رابطه با آمریکارا توصیه می کند. شاید بهترین تحلیل از عملکرد دفتر تحکیم وحدت – به عنوان فعال ترین مجموعه دانشجویی در موج سوم- از زبان امام صادق علیه السلام بیان شده است: العامل علی غیر بصیرهُ، کالسرائی علی غیر الطریق، لا تزیده سرعة السیر الا بعداً (الحیای، حکیمی، ج ۱، ب ۱)

با پیروزی گروه‌های موسوم به اصولگرایان در مجلس هفتم، ناراضیاتی‌های ایجاد شده از سیاست‌های دولت نزد مردم، روشننگری‌های فراوان رهبر معظم انقلاب در طول دوره اصلاحات در باره مطالبات نظام از رئیس جمهور و دولت اسلامی باعث بوجود آمدن

موج جدیدی در میان مردم و شد به شکل مشخص،

جنبش‌های دانشجویی شکل گرفت که بعدها به نام عدالت خواهی معروف شد. این روند با روی کار آمدن دکتر احمدی نژاد و تیم کاری وی تشدید شد. تأکیدات این دولت بر امر خدمت رسانی، عدالت خواهی و مهر ورزی و مفاهیمی نظیر این، بار دیگر ادبیات انقلاب اسلامی را در بین مردم، رسانه‌ها و فضاهای سیاسی رایج کرد. روحیه استکبار ستیزی این دولت و اهمیت این روحیه در پیشبرد روند پرورنده هسته‌ای جمهوری اسلامی، سیاست خارجی ایران را در حالت تهاجمی قرار داد. در این دوره نقش جنبش دانشجویی در مسائلی مانند جنگ ۳۳ روزه لبنان و ۲۲ روزه غزه، پیگیری‌های مربوط به مسأله مبارزه با فساد و نیز حمایت این جنبش‌ها از روند پرورنده هسته‌ای، بخوبی نمایان است. هر چند که در این میان برخی از، مجموعه‌های دانشجویی نیز کماکان در حال و هوای موج سوم بودند. انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ که در آغاز دهه چهارم انقلاب اسلامی بر گزار می شد، فرصتی مناسب را برای بدخواهان داخلی و خارجی اسلام و انقلاب فراهم کرد. حوادث پس از انتخابات که به فرموده رهبر معظم انقلاب کام ملت ایران را تلخ کرد، عزم قطعی مخالفین انقلاب را در حرکت به سمت براندازی، روشن ساخت. در این میان، همراهی برخی از عناصر داخلی که

خواسته یا ناخواسته آب بر آسیاب دشمن می ریختند، تلنگری است تا خواص والیته دانشجویان، بتوانند میزان بصیرت خود را با توجه به الگوی ولی فقیه بسنجند. تأکید مکرر ایشان بر امر بصیرت، نشان از قصور خواص در این باره دارد. تجربه روز قدس، روزهای آغازین دانشگاه‌ها راهپیمایی روز ۱۳ آبان که تجلی مبارزه با استکبار جهانی است و هم چنین شانزدهم آذر و عاشورای حسینی، این نکته را مشخص کرد که جریان آمریکایی داخل کشور و از بابان خارجی وی، خواهان بصیرت دانشجوی اسلامی نیستند. مبارزه با آمریکایه عنوان یک اصل دینی فراموش ناپذیر باید از سوی دانشجویان پیگیری شود و آمریکانه به عنوان تنها یک مصداق، بلکه به عنوان یک مفهوم مورد شناخت قرار بگیرد. جنش دانشجویی به عنوان یک مجموعه فعال فکری-سیاسی جدای از مبارزه با آفت دولتی شدن (همان که در موج سوم دیده شد) و مورد سوء استفاده احزاب سیاسی قرار گرفتن، باید با هوشیاری تمام، عملکرد مسئولان، احزاب، گروه‌های مختلف سیاسی (با جهت گیری‌های متفاوت) را رصد کرده و نسبت به هر گونه سستی در حمایت از فرمایشات رهبر انقلاب، عکس العمل مناسب را نشان دهد.

امروز روز مبارزه با دشمن بیدار است. امروز، روز حرکت به سمت ایجاد امت واحده اسلامی است. همان که امام روح گفت: «جنگ ما جنگ عقیده است، مرز و جغرافیائی شناسد». مرگ بر آمریکانه! نه یک کلمه که، نه یک کلمه زیاد.

۱۶ آذر؛ سالروز رسالت حسینی ...

لایلا توانا

... باشیم. این همان معنی بصیرت است. این همان مصداق تدبر است. بصیرت است که قدرت تدبر آدمی را افزایش می دهد. و این همان کلام مولایمان امیر المومنین است: "فانما البصیر من سمع فتفکر و نظر

بصیر از کنار هیچ کلام و واقعه ای بی تدبر نمی گذرد. و تدبر نتیجه اش آن است که در مقابل مصادیق ظلم آرام نخواهد نشست!

در ابتدای امر مسئله عدم بیعت امام با یزید و حواشی آن را مورد بررسی قرار می دهیم. امام حسین -علیه السلام- با یزید، مظهر علنی مقابله با شعائر اسلامی بیعت نکردند و خود و اهل بیت گرامی ایشان رهسپار مکه شدند. اما همان زمان در مدینه دو تن دیگر نیز حضور داشتند که یزید از ولیدبن عتبه بن ابی سفیان -حاکم وقت مدینه- خواسته بود تا علاوه بر

امام -علیه السلام- از ایشان نیز بیعت بگیرد، “عبدالله بن عمر بن خطاب” و “عبدالله بن زبیر”. یعنی این دو نفر نیز راضی به بیعت با یزید نبودند و با وی بیعت نکرده بودند. اما امام -علیه السلام- با ایشان همراه نشدند، در حالی که شاید همراهی با ایشان برای مقابله با یزید به حضرت کمک می کرد. به چه دلیل؟ از آنجایی که تفاوت نیت و هدف امام از بیعت نکردن با یزید با نیت و هدف این دو نفر از زمین تا آسمان است! امام یزید را فردی فاسق می دانستند و از این رو بیعت با وی امری مغایر با دستور الهی می دانستند و در نتیجه با وی بیعت نکردند، اما عدم بیعت آن دو به نام “عبدالله”، نه از داعیه داری حق و حقیقت، بلکه از طلب نفس و دنیا طلبی ایشان بود. این یعنی دانشجوی توجه کن در زیر چه پرچمی قرار می گیری؟ چه کسانی همراه با تو در این مسیر قرار گرفته اند و با چه نیاتی؟ بنگر تا بدانی! بدانی که اگر مسیر یکی است، نباید همراهی داشته باشی که هدفش با تو متعارض است! بدانی که دانشجوی مسلمان اگر بیدار باشد، در زیر علمی قرار نمی گیرد که همزمان افرادی با نیات متقابل با اسلام در زیر آندند.

از جهت دیگر امام در زمینه ی این حرکت به هیچ وجه حاضر به مسامحه و مصالحه نبودند. امام در جایی در جواب به محمد بن حنفیه که از سر خیرخواهی به وی پیشنهاد سفر به یمن را داد، می فرمایند: “گر در سراسر این جهان ملجا و مواوی نیایم، باز با یزید بیعت نخواهم کرد!”. این کلام امام، بر دوش دانشجویان پیرو خط حسین باری می گذارد! وظیفه ای که توجه به آن بطور مداوم، حتما تأثیر بسزایی در سرنوشت دانشجو، دانشگاه و جامعه

دانشجو توجه کن در زیر چه پرچمی قرار می گیری؟ چه کسانی همراه با تو در این مسیر قرار گرفته اند و با چه نیاتی؟ بنگر تا بدانی! بدانی که اگر مسیر یکی است، نباید همراهی داشته باشی که هدفش با تو متعارض است!

خواهد گذاشت. و این وظیفه عین همان جمله امام است، یعنی تحت هیچ شرایطی نباید در مقابل ظلم و مظاهرش ساکت باشیم! هیچ بهانه ای وجود ندارد تا اگر جلوه های مقابله با اسلام را دیدیم باز هم آرام از کنارشان عبور کنیم و تنها به فکر درس و نمره و

خونج که پاک نمج شود! ...

اجساد خون آلود شهیدان و آن همه نامه‌های

پرشورشان نه تنها در دل سنگ این جلادان

اثری ندرد بلکه ب سرت و پیروزی به دستگیری

باقی‌مانده دانشجویان پیراخذند. هر که را یافتند گرفتند

و آنگاه آنها را ب صدایق تنگ زدند ب دست‌های

بلا به صف و روانه زندان کردند و خبر پیروزی خود

را برای یزید زمان بردند تا انعام و پاداش خود را

دریافت دارند. در این واقعه متخرفان و کفرگرایان

دانشکده فتح بچ اندازد به دانشجویان کمک کردند.

بدین ترتیب سه نفر از دوستان ما بزرگ‌نیا، صدیقی و

شریعت رضوی شهید و بیست و هفت نفر دستگیر و عده

زیادی مجروح شدند ... تا آنجایی که حتی پس از

ماه‌ها از در و دیوار دانشگاه فتح بوی خون می‌آمد.

مامورین انتظامی پس از این عمل جنایتکارانه و

ن جوانمردانه از انگار ختم و غضب مردم به هراس

افتاده برای پوشاندن اکثر جرم خود خون‌ها را پاک

کردند ولی ماه‌ها اثر خون در گوشه و کنار دیده می‌شد

و سال‌ها جاک طولی‌ها بر در و دیوار دانشگاه فتح

نمایان بود و تا زمین می‌گردد و تاریخ وجود دارد، نتگ

و رسوایی بر کورن‌چیان خواهد بود...

بخشی از خاطرات شهید چمران؛ ش‌ن‌زده آذر ۱۳۳۲

Weblog : nabzbddf.parsiblog.com

E-mail : nabz.fanni@gmail.com

SMS : ۰۹۳۷۷۱۲۶۵۴۱